

همکاری چین و آمریکا
هنوز ممکن است

جوزف نای

پراجکت سیندیکت

زمانی که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در تلاشی برای ایجاد نوعی ثبات در روابط با چین به پکن سفر کرد، بسیاری از موضوعاتی که او برای گفت‌وگو با رئیس‌جمهور چین انتخاب کرد، به‌شدت مناقشه‌برانگیز بودند. برای نمونه، بلینکن به چین هشدار داد که از تأمین تجهیزات و تکنولوژی برای روسیه در جنگ این کشور علیه اوکراین بپرهیزد. او همچنین با ادعای ارضی چین در دریای چین جنوبی مخالفت کرد و خواست که پکن به آزادها علیه فیلپین (یکی از متحدان آمریکا) پایان دهد. دیگر موضوعات مورد بحث نیز شامل تفاسیر مختلف از سیاست «چین واحد» ایالات متحده در قبال مسئله تایوان، مسائل تجاری و همچنین محدودیت‌ها در خصوص انتقال تکنولوژی به چین بود.

من در همان زمان به عنوان رئیس مرکز چینی-آمریکایی‌ها در چارچوب گفت‌وگوهای «کانال دو» - نوعی از گفت‌وگو که کشورهای مرتبط با دولت متبوع‌شان می‌توانند با یکدیگر دیدار کرده و از جانب آن‌ها سخن بگویند - در پکن به سر می‌بردم. به دلیل اینکه گفت‌وگوها غیررسمی هستند، می‌توانند بسیار صریح‌تر از حالت عادی مطرح شوند. این بار نیز زمانی که هیئت از گروه استراتژی اسبن با گروهی از مدرسه بانفوذ حزب مرکزی در پکن برگزار می‌شد چنین اتفاقی افتاد.

همانطور که انتظار می‌رفت، آمریکایی‌ها همان موضوعاتی را که بلینکن می‌خواست مطرح کردند و چینی‌ها نیز مواضع دولت خود را تکرار کردند. یک ژنرال چینی هشدار داد: «تایوان هسته مرکزی تمام خواسته‌های ماست.» گفت‌وگو زمانی جالب‌تر شد که دو طرف در پی جست‌وجو برای یافتن زمینه‌های مشترک همکاری برآمدند. تغییر در سیاست آمریکا در قبال چین از استراتژی نزدیک شدن به چین به رقابت با چین در قالب رقابت قدرت‌های بزرگ باعث نشده است که زمینه‌های همکاری از بین برود. مانند یک بازی فوتبال که بازیکنان با تمام توان با یکدیگر رقابت می‌کنند اما فقط به توپ ضربه می‌زنند نه به بازیکنان تیم مقابل. همچنین از همه بازیکنان انتظار می‌رود در وسط خط‌های سفید تعریف شده دور زمین باقی بمانند و از زمین خارج نشوند.

چینی‌ها در این گفت‌وگو معتقد بودند که تا کاید آمریکا بر ایجاد «نرده‌های محافظ» در رابطه، مانند مسئله بستن کمربند ایمنی در خودرو است که سرنشینانش هرروز به سرعت گرفتن بیشتر تشویق می‌کنند، با این حال اکثر آن‌ها معتقد بودند این کار برای جلوگیری از خسارات بیشتر است. ما در این گفت‌وگوها چند زمینه بالقوه برای همکاری را شناسایی کردیم. اولین و واضح‌ترین موضوعی که می‌توانست یک زمینه خوب برای همکاری باشد، تغییرات آب و هوایی بود. چین با اینکه همچنان به نیروگاه‌های زغال سنگ متکی است، اما هم‌زمان تلاش دارد منابع تجدیدپذیر انرژی را جایگزین کند و می‌خواهد تا سال ۲۰۶۰ به کربن صفر برسد. این کشور در سال ۲۰۳۰ به اوج مقدار انتشار کربن خواهد رسید.

دومین زمینه همکاری، سلامت عمومی است. وقوع همه‌گیری بعدی یک سوال یا مسئله غافلگیرکننده است و یک مسئله ناگزیر. ما همکاری و مطالعات مشترک برای مقابله با همه‌گیری‌ها و بررسی تجربه مقابله با سارس در سال ۲۰۰۳ و مقابله با ابولا در سال ۲۰۱۴ را پیشنهاد کردیم.

در زمینه تسلیحات هسته‌ای چینی‌ها از ساخت سریع تسلیحات هسته‌ای در این کشور حمایت می‌کردند و معتقد بودند باید توانایی‌هایشان به‌ویژه در زمینه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک افزایش یابد تا اگر روزی ضربه‌ای به آن‌ها وارد شد بتوانند پاسخ دهند. آن‌ها حاضر به پذیرش محدودیت‌هایی نظیر آنچه در توافق‌های روسیه و آمریکا وجود داشت نبودند اما ابراز تمایل می‌کردند که درباره خلع سلاح و منع گسترش تسلیحات از جمله پرونده‌های سختی مثل ایران و کره شمالی با آمریکا همکاری کنند.

چهارمین زمینه هوش مصنوعی است. پیش از این بایلدن و شی دربار امنیت در حوزه هوش مصنوعی گفت‌وگو کرده بودند اما هنوز گفت‌وگوهای رسمی میان دولت‌ها در سطوح دیگر شکل نگرفته است.

زمینه‌های بسیار دیگری برای همکاری وجود دارند اما اصلی‌ترین مسئله این است که همکاری میان چین و آمریکا هنوز ممکن است.



منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برخلاف بسیاری دیگر از مناطق روی زمین به‌طور طبیعی مستعد گرم‌تر و خشک‌تر شدن است. آب‌وهوای خشک این منطقه باعث شده تا مشکل کمبود آب به‌یک مشکل دائمی بدل شود. هم‌زمان شدن مشکل کمبود منابع آب شیرین با افزایش قابل توجه تقاضا برای آب باعث شده است که عملاً همه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تا مقداری با تنش آبی مواجه باشند. در این میان، اثرات فراینده تغییرات اقلیمی نیز شکاف میان عرضه و تقاضای آب را در منطقه بیشتر کرده است. با این وجود، پیامدهای درازمدت این مسئله صرفاً به کمبود آب محدود نمی‌شود؛ کاهش کیفیت منابع آبی موجود، زیرساخت‌های ناکافی برای نگهداری آب و همچنین از بین رفتن همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه کشورهای در حوزه آب ممکن است چالش‌های اجتماعی و اقتصادی زیادی را به وجود بیاورد و چالش‌های موجود در منطقه را تشدید کند.

وضعیت منابع آب در خاورمیانه و شمال آفریقا

منطقه منا به‌عنوان منطقه‌ای با بیشترین سطح تنش آبی در جهان شناخته می‌شود. در واقع، براساس داده‌های سال ۲۰۱۹، ۱۶ کشور از ۲۵ کشوری که بیشترین تنش آبی را دارند (از جمله بحرین که بیشترین تنش آبی را داراست) در این منطقه هستند. این یعنی، این کشورها با بیشترین تنش آبی، در حال استفاده از حداکثر ظرفیت همه منابع آبی خود هستند و با توجه به تقاضای فزاینده برای آب چنین شرایطی می‌تواند به کمبود جدی آب منجر شود.

اگرچه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌طور کلی به‌عنوان منطقه تحت تنش آبی شناخته می‌شود، اما بخش‌های مختلف منطقه تنش آبی متفاوتی را تجربه می‌کنند. آسیب‌پذیری هر کدام از کشورهای منطقه از کمبود آب متفاوت است و این آسیب‌پذیری با سطح دسترسی هر کشور به منابع آب - اعم از منابع آب شیرین و غیرشیرین - ارتباط مستقیم دارد. برای مثال، کشورهای که دسترسی مستقیم به منابع تجدیدپذیر آب‌های شیرین روی سطح زمین مانند رودخانه‌ها دسترسی دارند، در وضعیت بهتری نسبت به کشورهای که این دسترسی را ندارند و از منابع دیگر شامل منابع زیرزمینی استفاده می‌کنند قرار می‌گیرند.

از طرفی، برخی کشورهای که منابع آب شیرین محدودی دارند با گسترش قابل توجه استفاده از منابع آب غیرشیرین از جمله از طریق نمک‌زدایی و شیرین‌سازی آب، تلاش دارند تا خطرها و تهدیدهای ناشی از تنش آبی را کاهش دهند. این کار نیازمند ظرفیت مالی زیاد و توسعه‌یافته بودن یک کشور است که بتواند با سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌های آبی، از منابع موجود آب بهترین استفاده را داشته باشد.

آب‌وهوای خشک و زمین‌های عمدتاً مسطح و بیابانی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باعث می‌شود تا این منطقه به‌طور طبیعی محیط مطلوبی برای آب‌های سطحی که از سرچشمه‌های مرتفع جاری می‌شوند، نباشد. با این حال چند استثنای بزرگ در منطقه وجود دارد. رودخانه نیل یکی از این استثناهاست که آب حیاتی لازم را برای تمام کشورهای اطراف خود (مصر، سودان، سودان جنوبی، اریتره، اتیوپی، کنیا، جمهوری دموکراتیک کنگو، بروندي، رواندا، اوگاندا و تانزانیا) به‌ویژه مصر و سودان (که روی هم ۹۰ درصد از برداشت سالانه از آب نیل از سوی آن‌ها صورت می‌گیرد) تأمین می‌کند. از بسیاری از جهات، رود نیل رگ حیات مصر است: ۹۹ درصد جمعیت مصر در امتداد دشت‌ها و سواحل اطراف نیل ساکن هستند و دلتای نیل (حاصلخیزترین منطقه مصر) ۶۲ درصد زمین‌های کشاورزی مصر را در بر می‌گیرد.

در سال‌های اخیر، بیشترین اختلافات و درگیری‌ها بر سر رود

نیل در بخشی از این رود اتفاق افتاده که به «نیل آبی» یا «Blue Nile» معروف است. این قسمت از رود نیل که از ارتفاعات اتیوپی سرچشمه می‌گیرد ۸۳ درصد از حجم آب سالانه رودخانه نیل را تأمین می‌کند. به دلیل ساخت و پر کردن مخزن سد زسناس از سوی اتیوپی که برای مصارفی مانند تولید برق و تأمین آب شیرین مورد استفاده می‌گیرد، اهداف و به‌طور کلی امنیت انرژی اتیوپی در تضاد با نیاز حیاتی مصر و سودان قرار گرفته است. فقدان همکاری میان این سه کشور در مورد نحوه مدیریت منابع آبی نیل به‌ویژه در شرایط خشکسالی طولانی مدت ناشی از تغییرات آب‌وهوایی احتمالاً منجر به اقدامات یکجانبه از سوی این کشورها خواهد شد که می‌تواند حیات نیل و همه ساحل نشینانش را تهدید کند.

رودخانه‌های دجله و فرات نیز یکی دیگر از منابع آبی مهم منطقه هستند که چالش‌هایی بر سر تقسیم آن‌ها وجود دارد. این رودخانه‌ها که از کوه‌های شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرند، از سوریه و عراق (بیشتر عراق) عبور می‌کنند و سپس با هم ترکیب می‌شوند و شط‌العرب (رود رود) را که به خلیج فارس ختم می‌شود، تشکیل می‌دهند. چالش اصلی در مورد این رودخانه‌ها نیز نحوه استفاده از آن‌ها در بالادست و تبعات آن در پایین‌دست رودخانه‌ها است. خشکسالی طولانی در این منطقه (که با گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی تشدید شده است) باعث شده است یک بازی با حاصل جمع صفر میان کشورهای که این رودخانه‌ها از آن عبور می‌کنند به وجود آید. ترکیه، کشوری که هر دو رودخانه از آن سرچشمه می‌گیرند، تلاش دارد با پروژه‌های زیرساختی و ساخت سد مانع از آن شود که این منابع آب سطحی از دست برود. این پروژه‌ها بیشترین تأثیر منفی را بر عراق داشته است. براساس داده‌های موجود، سدهایی که از سال ۱۹۷۵ تا امروز در ترکیه ساخته شده، سبب شده است که ۸۰ درصد از منابع آب عراق کاهش یابد.

پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ جریان آب رودخانه‌های دجله و فرات به ترتیب ۲۵ و ۵۰ درصد دیگر کاهش پیدا کند. پیامدهای این کاهش جریان آب در رودخانه دجله و فرات برای عراق بسیار مضر است و علاوه بر تبعات محیط زیستی باعث می‌شود شهرهای جنوبی این کشور از جمله بصره آب آشامیدنی کافی نداشته باشند. ریشه چالش‌های مربوط به مدیریت آب در رودخانه‌های دجله و فرات به فقدان توافقنامه‌های چندجانبه الزام‌آور میان بازیگران مؤثر یعنی ترکیه، ایران، عراق و سوریه بازمی‌گردد. وجود مجموعه‌ای از توافقنامه‌های الزام‌آور باعث می‌شود تا کشورها تشویق شوند تا با یکدیگر همکاری داشته باشند. همکاری میان کشورها نیز می‌تواند وضعیت فعلی را تغییر داده و مانع از اقدامات یکجانبه‌ای شود که به توزیع نامناسب منابع آب و افزایش نارضایتی‌ها در پایین دست می‌انجامد. در حال حاضر توافق‌های موجود در این زمینه ماهیت دوجانبه دارد. برای مثال پروتکل ۱۹۸۷ که میان ترکیه و سوریه منعقد شده و شرایطی را برای مقدار آبی که باید در مرز ترکیه و سوریه آزاد شود تعیین می‌کند یا توافقنامه آبی سوریه و عراق در سال ۱۹۹۰ از جمله این توافقنامه‌ها هستند. تا به امروز، مذاکرات

بحرانی بزرگتر

تنش آبی در منطقه خاورمیانه و شمال آفر

میان عراق و ایران در مورد انتصابات رودخانه‌ها به توافق ملموسی دست نیافته است. هم ایران و هم عراق نیز انتقاداتی جدی به اقدامات ترکیه دارند و با این وصف، با توجه به مشکلاتی که در آینده تشدید خواهند شد، عدم همکاری مؤثر میان ترکیه، ایران و عراق می‌تواند وضعیت رودخانه‌های دجله و فرات را از نظر کمیت و کیفیت آب به‌طور برگشت‌ناپذیری تحت تأثیر قرار دهد.

رود اردن، یکی دیگر از رودخانه‌های مهم خاورمیانه و شمال آفریقا است که از کوه‌های مرز سوریه و لبنان سرچشمه می‌گیرد و در نهایت به بحرالمیت (دریای مرده) می‌ریزد. با اینکه این رودخانه از لبنان، سوریه، اردن و اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) می‌گذرد، بیشترین درگیری‌ها بر سر مدیریت آب رود اردن میان اردن و اسرائیل در جریان است. خشکسالی و تغییرات آب‌وهوایی باعث کاهش جریان آب رود اردن شده؛ به‌طوری که برآوردها از جریان آب در شرایط فعلی نشان می‌دهد جریان آب در حال حاضر حدود ۱۰ درصد از میانگین تاریخی جریان آب در رود اردن است. از طرفی، کمبود آب این رودخانه به کاهش سطح آب در دریاچه طبریه و بحرالمیت منجر شده و تداوم این روند برای محیط زیست منطقه می‌تواند خطرناک باشد.

کاهش جریان آب سطحی تنها پارامتری نیست که آینده رود اردن را تهدید می‌کند. کیفیت آب در این رودخانه و همچنین در دریاچه طبریه و دریای مرده باعث شده تا در صورت تداوم این وضعیت، امکان استفاده از آب رود اردن بدون صرف هزینه زیاد برای تصفیه و نمک‌زدایی از آن عملاً ممکن نباشد. افزایش شوری و آلودگی در رود اردن ناشی از فاضلاب و پسماندهای جامدی است که به این رودخانه ریخته می‌شود. آبی که برای آبیاری مزارع استفاده می‌شود و بعضاً از زمین‌های خشک می‌گذرد نیز در پایان دوباره به رودخانه ریخته می‌شود که به گفته پژوهشگران حاوی نمک زیاد و همچنین آفت‌کش‌هایی است که باعث می‌شود آب رودخانه بیش از پیش آلوده شود. این آلودگی نهایتاً رود اردن را که سفره‌های آب زیرزمینی مجاور آن را نیز تهدید می‌کند.

برخلاف منابع آب سطحی در منطقه، سفره‌های آب زیرزمینی زیادی در خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد. به این ترتیب، وابستگی تاریخی به آب‌های زیرزمینی حیاتی به‌ویژه در برخی از

